

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «امنیت»

شماره مسلسل: ۱۳۹۶۰۰۶۱

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۷/۳۰



شناسنامه

عنوان:

**آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «امنیت»**

مؤلف:

حمید بالایی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۶۰۰۶۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۰۷/۳۰

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۲.....	مقدمه
۳.....	درآمد
۴.....	۱- مفهوم شناسی لغوی و اصطلاحی امنیت
۵.....	۲- تاریخچه‌ی اجمالی
۷.....	۳- اقسام امنیت در اسلام
۷.....	۳-۱. امنیت اجتماعی
۸.....	۳-۲. امنیت نظامی
۸.....	۳-۳. امنیت فرهنگی
۹.....	۳-۴. امنیت سیاسی
۱۲.....	۳-۵. امنیت اقتصادی
۱۳.....	۴- مبانی امنیت در جامعه‌ی اسلامی
۱۴.....	۵- عناصر امنیت‌ساز در جامعه‌ی اسلامی
۱۶.....	۶- امنیت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران
۱۶.....	۶-۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۸.....	۶-۲. قوانین عادی
۲۱.....	۶-۳. سیاست‌های کلی نظام و فرمان‌های رئیس کشور
۲۲.....	۷- جمع‌بندی
۲۳.....	۸- منابع پیشنهادی برای مطالعه‌ی بیشتر
۲۵.....	منابع و مآخذ

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنا نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی برمدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام سازی اسلامی برداشته شود.

«امنیت، امن، security»

درآمد

فارغ از آنکه در این مقام در پی پاسخی فلسفی به نوع تعامل انسان در بستر اجتماعی و تأثیر احساس امنیت در این تعامل باشیم، تنها به این نکته اشاره می‌شود که انسان‌ها در طول تاریخ بشر در کنار یکدیگر و در ساختاری اجتماعی زیسته‌اند و هر آن‌جا که ساختاری حاصل آید، با مفهوم برتری و اقتدار توأمان خواهد شد؛ چراکه سلسله‌مراتب موجود در ساختار، بنیان خود را از اقتدار موجود در آن می‌گیرد. بر این پایه همیشه تحصیل امنیت در ساختار اجتماعی دغدغه‌ی انسان بوده و به بیانی رساتر داشتن امنیت به نیاز اجتماعی انسان تبدیل شده است؛ نیازی که در راه حصول آن انسان تا آن‌جا پیش رفته که بخشی از حقوق خود را جهت پاسخ به آن نادیده انگاشته است. با توجه به نگرش اسلامی نیز در آیات متعددی بر ضرورت وجود امنیت در زندگی اجتماعی تأکید شده و بر همین اساس «امنیت نخستین و مهم‌ترین شرط یک زندگی سالم و اجتماعی است».^(۱) در روایات اسلامی به امنیت به‌عنوان عاملی که وظیفه‌ی حکومت‌ها تأمین حداکثری آن است، اشاره شده است؛ امیرالمؤمنین (ع) فلسفه‌ی وجودی حکومت را فراهم ساختن امنیت ملی می‌داند که از هر طریقی (به‌وسیله‌ی نیروهای مسلح) باید تأمین شود.^(۲) براساس مجموع آموزه‌های اسلامی می‌توان در راستای ضرورت وجود امنیت برای جامعه‌ی اسلامی دو اصل کلی زیر را مورد توجه قرار داد: «۱. ارزش امنیت و منزلت حفظان آن؛ ۲. لزوم شدت عمل در برابر آرامش‌ستیزی و برهم زدن امنیت».^(۳) این دو اصل در کنار یکدیگر جایگاه امنیت در زندگی اجتماعی را ایجاد کرده و از وجود آن صیانت خواهند کرد.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴ق، ج ۱۲، ص ۵۳۹.

۲. شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم، ارم، ۱۳۸۲، خطبه‌های ۴۰ و ۵۳.

۳. اسماعیلی، محسن، «درآمدی بر طرح تدوین فقه انتظامی، امنیت ملی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی»، مجله‌ی دانش انتظامی، ش ۳ و ۲، تابستان و پاییز ۱۳۷۹، ص ۲۴.

۱- مفهوم شناسی لغوی و اصطلاحی امنیت

امنیت در لغت به معنای در امان بودن، بی‌بیمی، آسایش، بی‌هراسی^(۱)، اطمینان و سکون قلب^(۲) و در اصطلاح به معنای «نبود تهدید نظامی برای ملت و یا توان نگهداری کشور از هجوم دشمنان و یا محافظت کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی و منافع ملی است»^(۳). اما بی‌شک این حد از تعریف وافی به مقصود نیست و باید برای رسیدن به تعریفی مناسب مؤلفه‌های امنیت را لحاظ کرد. در این زمینه می‌توان گفت: اولاً «شرایط امن آن است که ارزش‌های حیاتی برای فرد، جامعه و کشور به‌عنوان مرجع امنیت^(۴)، از تهدید مصون باشد و ثانیاً امنیت در اندیشه‌ی اسلامی وضعیتی است که در پرتو آن زمینه‌ی عبادت خداوند متعال و در نتیجه قرب به باری تعالی فراهم شود [و بر همین اساس] امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ملی و جهانی تماماً در این راستا باید جهت‌گیری شود»^(۵).

با توجه به اینکه مرجع امنیت چه دانسته شود، تعریف از امنیت متفاوت می‌شود. در این زمینه دو دیدگاه متفاوت در خصوص مرجع امنیت وجود دارد که یکی دولت را مرجع امنیت دانسته و بیان می‌دارد: «امنیت از حیث ماهیت ایستا بوده و ناظر بر دولت است»^(۶) و دیگری فرد را مرجع امنیت دانسته و بیان می‌دارد: «بنیان فرد و نه

۱. معین، محمد، فرهنگ لغات معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه‌ی سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۲۱.

۳. شریعتمدار جزائری، سید نورالدین، «امنیت در اسلام»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۵، ص ۷.

۴. فهم امنیت مستلزم پاسخگویی به این گزاره است که امنیت برای چه و کدامین واحد مدنظر است و اساساً موضوع سیاستگذاری‌های امنیتی و مخاطب تهدیدات کدام است. با این توضیح می‌توان مرجع امنیت را عبارت از واحدی دانست که موضوع سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های امنیتی واقع شده و هدف اصلی آن سیاست‌ها تقلیل تهدیدات و تأمین امنیت پایدار آن واحد است.

۵. لکزایی، شریف، «امنیت در اسلام»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۰.

6. Buzan, Barry: People state and Fear: An agenda for international security studies in the post cold war era. London: hieatshed pub, 1991, chp 2.

به‌تقل از: افتخاری، اصغر، «تحلیل انتقادی امنیت (درآمدی بر روش‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی)»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ش ۱۶، تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۴۵.

دولت می تواند بستری کاملاً مناسب برای مبنای مطالعات امنیت باشد. با تغییر این کانون است که درک بهتر مفهوم امنیت میسر خواهد شد.^(۱) با عنایت به آنچه تاکنون بیان شد، امنیت را می توان از دو منظر تعریف کرد: ابتدا آنکه به تعریفی ساده از امنیت که از درون گفتمان سلبی^(۲) بیرون می آید، اکتفا کرد که بر این اساس امنیت عبارت است از «وضعیتی که منافع حیاتی بازیگر از سوی دیگر بازیگران یا در معرض تهدید نباشد و یا در صورت وجود تهدید احتمالی بازیگر توان دفع و مدیریت آن را با هدف صیانت از منافع خود داشته باشد»^(۳) یا به سراغ تعریف پیچیده‌ای که از درون گفتمان ایجابی بیرون آمده است رفت؛ تعریفی که «امنیت را وضعیتی مبتنی بر وجود نوعی رابطه‌ی معقول و متناسب بین خواسته‌های بازیگران با داشته‌های ایشان درون یک واحد سیاسی می‌داند که در نهایت تولید رضایت‌مندی نزد بازیگران می‌کند».^(۴)

۲- تاریخچه‌ی اجمالی

چنانکه اشاره شد، امنیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین خواست‌های انسانی در جوامع بشری در پیوندی وثیق با نظریه‌ی دولت‌ها در بستر تاریخی قرار گرفته و در این تعامل هرچند مفهوم امنیت به‌نوعی مصون از تقلب معنایی است، متناسب با تطور نظریه‌های دولت، تأمین امنیت نیز دستخوش تحولات چشمگیری بوده است. ازاین‌رو مبنای مختلف دولت در هرمنوتیک تاریخی آن، رویکردهای مختلفی را در تأمین امنیت ایجاد کرده است؛ رویکردهایی که در برخی کشورها دولت را مجبور به رفتار سلبی و در

۱. آر. دی، مک کین لای و آر، امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه‌ی اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱.

۲. گفتمان سلبی امنیت یعنی نبود تهدید برای مرجع امنیت. دلیل توصیف این گفتمان به «سلبی» نیز در همین نکته نهفته است؛ چراکه تعاریف از امنیت را در «سلب» تهدید می‌داند و گفتمان ایجابی امنیت محصول نوعی نسبت بین خواسته‌های مردمی با کارآمدی نظام سیاسی در هر واحد سیاسی است. با این تلقی مشخص می‌شود که امنیت، بر پایه‌ی مفهوم «رضایت‌مندی» و نه «قدرتمندی» که در گفتمان سلبی به آن توجه می‌شود، مورد نظر است. ازاین‌رو در گفتمان ایجابی دولت‌ها موظف به اقدام در راستای تأمین همه‌جانبه‌ی امنیت مرجع امنیت هستند.

۳. آر. دی، امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها، همان، ص ۱۲۱.

۴. آر. دی، امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها، همان، ص ۱۲۱.

برخی دیگر، دولت را موظف به تعهدات ایجابی در تأمین امنیت می‌کند. برای مثال دولت در عصر کلیسایی علاوه بر تأمین امنیت سخت، رسالتی بس عظیم در تأمین امنیت معنوی و زمینه‌سازی مبارزه با شیطان را پیدا کرد. در این دوره رسالت دولت در تأمین امنیت علاوه بر بعد سخت آن جنبه‌های نرم و فرهنگی شده نیز می‌یابد؛ به این معنا تعهد سلبی دولت در تأمین امنیت در کنار تعهد ایجابی قرار می‌گیرد. اما پس از این برهه‌ی تاریخی و منتج از گفتمان عصر روشنگری و تغییرات ناشی از آن، دولت-ملت‌های لیبرال بنیان شد. اندیشه‌ی لیبرال در آغاز با محور قرار دادن آزادی‌های فردی و اجتماعی، دولت‌ها را متعهد به تعهدات سلبی در زمینه‌ی تأمین عدالت و امنیت کرد؛ اما با مرور زمان و نهادینه شدن اندیشه‌ی دولت ژاندارم تعهد ایجابی دولت‌ها به وظایف پلیسی مدنظر قرار گرفت و از همین رو تأمین امنیت به عنوان ملاک بررسی اعمال حکومت‌ها میزان شایستگی و رضایت‌مندی از هر دولت را مشخص می‌کرد. رفته‌رفته پس از تبعات جنگ جهانی اول اندیشه‌ی سلبی تأمین امنیت به اندیشه‌ی ایجابی تبدیل شد، و بر این اساس تأمین امنیت دیگر نه تنها در حوزه‌ی امنیت سخت معنا می‌یافت، بلکه جنبه‌های مختلف تأمین امنیت در اجتماع از جمله امنیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رخنمایی کرد. با گذشت زمان و با محوریت نظریه‌ی «حکمرانی خوب»^(۱) دولت باید فرصت‌های پایداری در جامعه ایجاد کند؛ چارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش برای فعالیت عمومی و خصوصی وضع کند و ثبات و عدالت در بازار ایجاد کند؛ نقش میانجی در مصالح عمومی داشته باشد؛ همچنین در ارائه‌ی خدمات عمومی اثربخش و پاسخگو باشد.^(۲) از همین رو تأمین امنیت در این مدل با جنبه‌های مختلف آن گره خورده و نقش نظارتی دولت در پویاسازی ظرفیت اجتماعی مهم تلقی می‌شود و ضرورت توجه به فعالان مدنی در عرصه‌ی تأمین امنیت از جمله وظایف دولت‌هاست؛ بر این اساس و از این منظر می‌توان توجه به نهادهای امنیت‌ساز اجتماعی را ضروری دانست. در امتداد نگرش «حکمرانی خوب»، نظریه‌ی دولت حقوق یا دولت قانون‌مدار بستر

۱. البته عبارت به‌زامداری مترادف بهتری برای این مفهوم مدرن است.

2. UNDP, "Governance For Sustainable Human Development", presen at: www.Undp-pogar.Or/publications/governance/goodgov,1997.

چارچوب‌مندی قانونی تأمین امنیت را فراهم می‌آورد^(۱) و از این رو باید ابعاد تأمین روش‌های آن و مسئول هر بعد در قانون مشخص شود. چنین رویکردی در تأمین امنیت را می‌توان در قوانین موضوعه و اسناد بالادستی دولت-کشورها در سال‌های اخیر مورد توجه قرار داد. اسناد امنیت ملی ایالات متحدهی آمریکا که از سال ۲۰۰۰ تاکنون در حال اعلام است، دلیل واضحی بر همین نوع نگرش به قانونمندی اهداف دولت در اسناد بالادستی است. بررسی اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت نیز نشان می‌دهد راهبردهای تأمین امنیت به‌خصوص امنیت ملی در این اسناد از رویکردهای امنیت سخت به امنیت نرم در ابعاد مختلف توسعه یافته است؛ ابعادی که متناسب با کاربست امنیت در مدل حکمرانی خوب، وظایف دولت‌ها در تأمین امنیت ملی قلمداد می‌شود.

۳-۲. اقسام امنیت در اسلام

فقه سیاسی مجموعه‌ی قواعد، اصول فقهی و حقوقی برخاسته از مبانی اسلامی است که تنظیم روابط مسلمان‌ها با خودشان و تنظیم روابط آن‌ها با ملت‌های غیرمسلمان را بر عهده دارد. از این رو در شناخت ابعاد تأمین امنیت با عنایت به روابط مختلف مسلمانان در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و...، منابع فقهی نیز باید با همین تقسیم‌بندی بررسی شود؛ چراکه «فقه عهده‌دار ایجاد امنیت در تمام بخش‌هاست و در این راستاست که ارتباط مستقیم فقه سیاسی با امنیت روشن می‌شود».^(۲) به این معنا تأمین امنیت در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و...، یکی از مهم‌ترین وظایف حاکم جامعه‌ی اسلامی است.

۳-۱. امنیت اجتماعی

«آسایش همگانی امت اسلامی و اطمینان آن‌ها در حفظ ارزش‌های همگانی، امنیت اجتماعی نامیده می‌شود».^(۳) در میان افراد جامعه‌ی اسلامی که در روایات به اعضای

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک: ویژه، محمدرضا، مبانی، ساختار و کارکردهای دولت حقوقی، تهران، جنگل، ۱۳۹۰.

۲. شریعتمدار جزائری، سید نورالدین، «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، مجله‌ی علوم سیاسی، ش ۹، تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۳.

۳. شریعتمدار جزائری، «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، ص ۲۳.

یک بدن تشبیه شده‌اند، پیوند بسیار عمیقی وجود دارد. به همین دلیل، «تهدید بخشی از امت نیز امنیت اجتماعی را در خطر می‌اندازد».^(۱) این پیوند و یگانگی در میان جامعه‌ی اسلامی در آیات و روایات بی‌شماری مورد توجه بوده است، از جمله:

«همگان به ریسمان خدا درآویزید و پراکنده نشوید و به یاد آورید نعمت خدا را بر خودتان زمانی که دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت انداخت و به برکت نعمت او با یکدیگر برادر شدید و شما در پرتگاه حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آنجا برگرفت و نجات داد».^(۲) در همین زمینه امام باقر(ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمودند: «هر کس از اجتماع مسلمان‌ها جدا گردد، از اسلام برون رفته است».^(۳)

۲-۳. امنیت نظامی

امنیت نظامی در دیدگاه فقه شیعه به صورت جهاد دفاعی تبلور یافته است که این جهاد با هدفی مقدس، امنیت را در ملت اسلام عملی می‌کند. جهاد دفاعی بر چند نوع است: «۱- دفاع از کشور اسلامی و اموال مسلمان‌ها در زمانی که کافران تهاجم کرده باشند و ترس استیلاي آن‌ها بر کشور اسلام و اموال مسلمان‌ها وجود داشته باشد؛ ۲- دفاع از اسلام در زمانی که کافران برای نابود کردن دین و اصل اسلام؛ به جامعه‌ی اسلامی هجوم آورده باشند؛ ۳- دفاع از نفس محترم مسلمان و یا کافر ذمی که در خطر افتاده است؛ ۴- دفاع اسیر از خود در میان دشمنان کافر؛ ۵- دفاع از امام معصوم علیه‌السلام در هنگامی که مورد تهاجم دشمن قرار گیرد».^(۴)

۳-۳. امنیت فرهنگی

از ارکان و پایه‌های زیربنایی و اساسی امنیت‌ساز در اجتماع، تأمین امنیت در بعد فرهنگی است. «از میان تمام فرهنگ‌ها، فرهنگ دین نقش بنیادین خود را دارد. فرهنگ

۱. شریعتمدار جزائری، «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، ص ۲۳.

۲. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳).

۳. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، ترجمه‌ی احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۵۲.

۴. عاملی (شهید ثانی)، زبدین علی بن احمد، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، کتابفروشی داور، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۳۹.

دین می‌تواند میان گویش‌های گوناگون، گروه‌های متفاوت و ملت‌های مختلف وحدت و یگانگی ایجاد کند.^(۱) «مواردی که فرهنگ اسلام را تهدید می‌کند و آن را به خطر می‌اندازد، عبارت است از: تأسیس گروه و انجمن‌های وابسته به دشمن در جامعه‌ی اسلامی، ترور شخصیت‌های اسلامی، جداسازی مردم از حکومت اسلامی، نفوذ در نهادهای اسلامی، روابط بازرگانی و دیگر روابط بین‌المللی، به مصرف‌گرایی کشاندن مسلمان‌ها از تولیدات خارجی، تضعیف مبانی دینی، ایجاد حقارت و خودباختگی به‌ویژه در جوانان، نابود کردن احساس و غیرت دینی، ترویج کالاهای تجملی، توزیع فیلم‌های بدآموز، تقلیدگرایی در پوشش و مسکن و دیگر برخورد‌های اجتماعی و...».^(۲)

امام خمینی (ره) دفاع از فرهنگ اسلام را لازم دانسته و جلوگیری از صدور استعمار غرب و بیگانگان را واجب کرده است و می‌گوید: «اگر در ارتباط بازرگانی و غیر آن، ترس آن باشد که بیگانگان استیلای سیاسی بر حوزه‌ی اسلام و کشورهای اسلامی پیدا می‌کنند و در نتیجه، مسلمان‌ها را استعمار کرده و یا کشورهای آن‌ها را مستعمره‌ی خویش نمایند، هرچند به شیوه‌ی استعمار نو باشد، واجب است بر تمام مسلمان‌ها که از آن ارتباط کناره‌گیری نمایند و به‌کارگیری آن ارتباط و قرارداد حرام است».^(۳)

۳-۴. امنیت سیاسی

نظام سیاسی تبیین‌کننده‌ی ماهیت قدرت در ساختار اجتماعی است و امنیت سیاسی به در امان بودن ساختار حکومت از گزند دشمنان داخلی و خارجی اشاره دارد. از همین رو امام خمینی (ره) در مورد ارتباط دشمنان اسلام با کشورهای اسلامی می‌گوید: «اگر یکی از دولت‌های اسلامی با بیگانگان رابطه‌ای برقرار سازد که مخالف با مصلحت اسلام و مسلمین باشد، واجب است بر دیگر دولت‌ها که آن قرارداد را باطل کنند و هر وسیله‌ای که در اختیار دارند به‌کار گیرند برای قطع این رابطه، بر افراد مسلمان نیز واجب است که به این امر همت گمارند».^(۴) در قرآن

۱. شریعت‌مدار جزایری، «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، همان، ص ۲۵.

۲. شریعت‌مدار جزایری، «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، همان، ص ۲۵.

۳. موسوی خمینی، روح‌الله، تحریرالوسیله، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱ق، ج ۱ و ۲، ص ۴۸۵.

۴. موسوی خمینی، تحریرالوسیله، همان، ج ۱ و ۲، ص ۴۸۵.

کریم نیز به نیرنگ‌های فاسقان اهل کتاب چنین اشاره شده است که آنان به دنبال تسلیم کردن مسلمان‌ها در برابر اندیشه‌های سوء خود هستند. «هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا به طور کامل تسلیم خواسته‌های آن‌ها شوی و از آئین تحریف‌شده‌ی آنان پیروی نمایی».^(۱) «افراد باایمان نباید به جای مؤمنان کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد و پیوند او از خدا گسسته می‌شود، مگر اینکه از آن‌ها بپرهیزد و بخاطر هدف‌های مهم‌تری تقیه کند. خداوند شما را از نافرمانی خود برحذر می‌دارد و بازگشت شما به سوی خداست».^(۲) همان‌گونه که مشخص است نهی این آیه در جایی است که مؤمنان بخواهند کافران را دوست و سرپرست خود قرار دهند، در غیر این صورت و در مواردی که صلاح مسلمین ایجاب کند، اگر «کافران اهل کتاب و غیر اهل کتاب که قصد خیانت و توطئه علیه اسلام و مسلمین را نداشته باشند و مایل باشند با صلح و صفا با مسلمان‌ها زندگی کنند می‌توانند طرف عقد قرارداد و معاهده باشند».^(۳) بر این اساس به نظر می‌رسد که قانون کلی رابطه با غیرمسلمان‌ها این است که اگر آن‌ها درصدد جنگ با مسلمان‌ها نباشند و قصد براندازی حکومت اسلامی را نداشته باشند و در اندیشه‌ی ضربه زدن به آن‌ها نباشند، می‌توان با آن‌ها رابطه‌ی مسالمت‌آمیز برقرار کرد: «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکرده‌اند و از خانه و دیارتان بیرون نرانده‌اند، نهی نمی‌کند؛ چراکه خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد».^(۴) اما در خصوص بعد داخلی تأمین امنیت جامعه‌ی اسلامی بازگشت موضوع در اندیشه‌ی فقه امامیه در باب محاربه و بغی است، از همین رو شیخ طوسی در مورد جرم علیه امنیت شهروندان نظر فقهی خود را این‌گونه بیان می‌کند: «مطابق روایات ما، مراد آیه‌ی ۳۳

۱. «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهَدَى وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۲۰).

۲. (آل عمران: ۲۸) برای مطالعه‌ی تفسیری رک: بالایی، حمید، الگوی راهبردی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت ملی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

۳. شریعت‌مدار جزایری، «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، همان، ص ۲۶.

۴. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا بَيْنَ يَدَيْهِمْ أَنْ يَحْكُمُوا فِي دِينِهِمْ وَلَكِنْ يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا بَيْنَ يَدَيْهِمْ أَنْ يَحْكُمُوا فِي دِينِهِمْ وَلَكِنْ يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا بَيْنَ يَدَيْهِمْ أَنْ يَحْكُمُوا فِي دِينِهِمْ» (ممتحنه: ۸).

سوره‌ی مائده^(۱) هر کسی است که سلاح کشیده و مردم را می‌ترساند، چه در دریا و چه در خشکی، چه در شهر و چه در بیابان و روایت شده که دزد هم محارب است. در بعضی از روایات ما هم آمده که مراد از آیه قطع‌الطریق هستند، چنان‌که فقیهان عامه نیز چنین گفته‌اند.^(۲) در کتاب «سرائر» تحت عنوان «باب حد المحاربین و هم قطع‌الطریق و النباش والمختلس...» پس از ذکر آیه‌ی محاربه آمده است: «اختلافی در میان فقیهان نیست که مراد از این آیه قطع‌الطریق هستند و به نظر ما هر کس است که برای ایجاد ترس در مردم سلاح بکشد».^(۳) در کتاب «جواهر الکلام» ضمن نقل عبارت کتاب «سرائر» در توصیف محارب: «المحارب کل من جرّد السلاح لآخافه الناس»، به صورت دقیق مفهوم و مصادیق این حد به اقداماتی فرو کاسته شده که در عرصه‌ی سلب امنیت جانی و مالی مردم و شهروندان کشور اسلامی صورت می‌گیرد و هیچ‌گونه عبارت و کلامی که بتوان توسعه در معنای حد محاربه را از آن استفاده کرد، مشاهده نمی‌شود؛ بلکه ایشان برخی مصادیق ربایش علنی مال و آسیب رساندن به امنیت شهروندان را که همراه و مقارن با تشهیر سلاح نیست، از شمول این حد خارج دانسته است.^(۴) کتاب «تحریرالوسیله» نیز محارب را به «هر کسی که سلاح خود را برای ترساندن مردم تجهیز و آماده کند»^(۵) اطلاق کرده است و «کسی را که بدون توسل به سلاح درصدد قتل یا ربودن مال دیگری برآمده است، از شمول حکم محارب خارج می‌داند».^(۶) از این رو مشخص است که بحث در «تحریرالوسیله» و تعریف ارائه‌شده از حد محاربه، بر محدودیت مصادیق آن به اعمال راهزنان و افرادی است که با توسل به خشونت و سلاح قصد سلب امنیت جانی و مالی

۱. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»

۲. طوسی، محمد بن الحسن، المبسوط، بی‌جا، المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ۳۹۳ ق، ج ۸، ص ۴۷.

۳. حلی، ابن‌ادریس محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۵۰۶.

۴. نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۲۶۶ ق، ج ۲۱، ص ۵۹۹.

۵. موسوی خمینی، تحریرالوسیله، همان، ص ۴۶۷.

۶. موسوی خمینی، تحریرالوسیله، همان، ص ۴۶۷.

شهروندان را دارند. اما نظر به آنکه در این مجال اصل بحث تأمین امنیت سیاسی است، باید گفت که در فقه امامیه بغی جرم علیه امنیت دولت انگاشته شده است. مرحوم شیخ طوسی در کتاب «نهایه» در خصوص تعریف آن می‌گوید: «هر کس علیه امام عادل قیام کند، بیعت خویش را نقض کند و دستورهای او را اطاعت نکند، باغی است و برای حاکم جنگ با او مجاز است».^(۱) بر این اساس، معتقد است «کسانی که بدون تأویل علیه امام قیام و شورش کنند، محارب هستند».^(۲)

۳-۵. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی این است که افراد جامعه بتوانند غذا و لباس مورد نیاز خود را به آسانی به دست آورند و با امنیت و آسایش نیازهای دیگر خود را برطرف کرده و زندگانی را در سلامت از امراض و آلودگی‌ها سپری کنند و نیز ابزار کار مورد نیاز را در صنعت، تجارت، کشاورزی و دیگر پیشه‌ها در اختیار داشته باشند و سرمایه‌ی اقتصادی و اموال آن‌ها مورد خطر و تهدید نباشد.^(۳)

بعضی اقتصاددانان مسلمان امنیت را ملازم با مفاهیمی همچون ثبات، اطمینان و عدم خطر دانسته‌اند و از این‌رو امنیت اقتصادی را به معنای ثبات و عدم خطر و ریسک در فعالیت‌های اقتصادی در سه حوزه‌ی تولید، توزیع و مصرف و در بخش دولتی و خصوصی و در ابعاد داخلی و بین‌المللی دانسته‌اند.^(۴) بعضی دیگر با توجه به اینکه امنیت به معنای ایمن بودن از تهدید، فشار و تعرض دانسته می‌شود، امنیت اقتصادی را نیز به ایمن بودن فعالیت اقتصادی از تهدید، فشار و تعرض تعبیر کرده‌اند.^(۵) برخی از ابعاد امنیت اقتصادی با امنیت سرمایه مرتبط است و حرمت مال مؤمن در روایات بدان اشاره دارد. دیگر ابعاد آن با امنیت معیشتی یا امنیت درآمدی و اشتغال ارتباط داشته و

۱. طوسی، محمدبن الحسن، النهایه فی مجرد الفقه الفتاوی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱.

۲. طوسی، النهایه فی مجرد الفقه الفتاوی، همان، ص ۱۲.

۳. شریعتمداری، «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، همان، ص ۱۲.

۴. میرمعزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱.

۵. یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصاد علوی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۵.

آیات و روایات فقرزدایی بر این مطلب تأکید دارد.^(۱)

۴- مبانی امنیت در جامعه‌ی اسلامی

پس از بیان مفهوم، انواع و تطور تاریخی تأمین امنیت، برای پرداختن به تحلیل مبانی امنیت در اسلام، ناگزیر از توجه به مبانی هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه‌ی آن در این زمینه هستیم. بر همین اساس از منظر هستی‌شناسی اسلامی، سه اصل توحید، نبوت و ولایت باید مدنظر قرار گیرد. «اصل توحید و عبودیت موجودات در برابر خداوند مستلزم نفی طاغوت است. طاغوت نیروی برهم‌زننده‌ی امنیت انسان در تمامی سطوح است».^(۲) «توحید موجد نوعی آرامش و اطمینان است که مطابق نظریات جدید و پیشرفته‌ی امنیتی جوهره‌ی «امنیت واقعی» به‌شمار می‌آید. به همین دلیل ایمان و ایمنی در منطق الهی توأمانند».^(۳) از منظر اصل نبوت نیز بیان شده است «فلسفه‌ی ارسال رسل و رهبران الهی، راهنمایی انسان‌ها به اطاعت از خدا و اجتناب از طاغوت و رسیدن به مقام امن حقیقی است».^(۴) در امتداد همین اصل و با تمسک به اصل ولایت تأثیر آن در امنیت‌سازی جامعه‌ی اسلامی را می‌توان بدین ترتیب تبیین کرد: «پالایش گفتمان سیاسی با طرح شروط و اصول حاکم برای انتخاب زمامداران؛ اصلاح ساختار سیاسی از طریق اتصال قدرت سیاسی به منبع الهی^(۵) و طراحی سیستم حل اختلاف در مواقع بحرانی با مرجعیت امام که در نظریه‌های بحران بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد».^(۶) در واقع «تجمیع دو بعد رهبری سیاسی و مرجعیت دینی جامعه‌ی اسلامی از ناحیه‌ی زعامت دینی در داخل به وحدت و یکپارچگی و در خارج به قدرتی برتر تبدیل خواهد شد که ثبات داخلی و امنیت خارجی را به‌صورت توأمان

۱. جهانیان، ناصر، «تعریف و جایگاه امنیت اقتصادی در اسلام»، فصلنامه‌ی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۱، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۹۲.
۲. لک‌زایی، «امنیت در اسلام»، همان، ص ۲۸.
۳. لک‌زایی، «امنیت در اسلام»، همان، ص ۲۷.
۴. لک‌زایی، «امنیت در اسلام»، همان، ص ۲۸.
۵. «... الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۳).
۶. افتخاری، اصغر، «امنیت در اسلام»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۴.

تأمین خواهد کرد. این معنا از سوی مفسران شیعی در ذیل آیه‌ی ۳ از سوره‌ی مبارکه‌ی مائده در خصوص بعد بیرونی امامت مورد توجه قرار گرفته که التزام به امامت را با رهایی از ترس و ناامنی توأمان دانسته است.^(۱) اصل ولایت در امتداد نبوت با اتصال منبع مشروعیت قدرت به ذات باری تعالی امکان فساد قدرت را گرفته و از این رو با وضع شرایط خاص برای حاکم جامعه‌ی اسلامی، امنیت را به عنوان یکی از باارزش‌ترین نیازهای انسانی تحصیل می‌کند.^(۲)

رویکرد انسان‌شناسانه نیز با تفکیک میان ویژگی‌های ذاتی و اکتسابی انسان در تحلیل مبانی امنیت از منظر اسلام، چنین به کار خواهد آمد که «با توجه به مبنای قرآنی فطرت می‌توان حکم به یگانگی ذاتی انسان‌ها داد. به اعتقاد ما تمام انسان‌ها از فطرت مشترکی برخوردارند. بنابراین اصل بر همگرایی، وحدت و یگانگی و صلح میان انسان‌هاست و اختلاف و جنگ و نزاع اموری است غیر اصیل که یک سوی آن ریشه در اطاعت از شیطان دارد».^(۳) از این رو لازم است تأمین امنیت برای هدایت انسان به سمت کمال مطلق و بهره‌گیری از فطریات مشترک مورد توجه سیاستمداران و رهبران قرار گیرد. از طرف دیگر، براساس بعد اکتسابی «انسان می‌تواند برای زندگی و رفتارهای فردی و اجتماعی خود تصمیم بگیرد و عمل کند. بدیهی است امنیت در تمام مشتقات آن در زمینه‌سازی برای دفاع از مسیرهای مذکور مؤثر است».^(۴)

۵- عناصر امنیت‌ساز در جامعه‌ی اسلامی

متأثر از مبانی امنیت در اسلام و با عنایت به آنکه ساختار جامعه‌ی اسلامی باید برآمده از مبانی اسلامی باشد، توحیدمحوری، ایمان، ولایت‌مداری و سعادت چهار عنصر اصلی ایجاد امنیت در جامعه محسوب می‌شوند. همان‌طور که گفته شد، اصل توحید و عبودیت موجودات در برابر خداوند مستلزم نفی طاغوت است و از این رو

۱. افتخاری، اصغر، «مرزهای گفتمانی نظریه‌ی اسلامی امنیت»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ش ۲۵، پاییز ۱۳۸۳، ص ۴۳۰.

۲. به منظور مطالعه‌ی این دیدگاه و تحلیل شهید مطهری ر.ک: مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، تهران، صدرا، ۱۳۷۰، ص ۶۳-۷۰.

۳. لک‌زایی، «امنیت در اسلام»، همان، ص ۲۸.

۴. لک‌زایی، «امنیت در اسلام»، همان، ص ۲۸.

توحیدمحوری عنصر اول امنیت‌ساز در جامعه‌ی اسلامی است. ایمان نیز به‌عنوان دومین عنصر امنیت‌ساز در جامعه‌ی اسلامی، سه اثر مهم دارد: اول آنکه «ایمان از آن حیث که جنبه‌ی روانی دارد در ایجاد امنیت روانی و معتدل ساختن انسان نقش مؤثری ایفا می‌نماید»؛ دوم آنکه «ایمان از آن حیث که جنبه‌ی اجتماعی دارد به تنظیم روابط افراد در حیات جمعی کمک می‌کند»؛ سوم اینکه «ایمان از حیث سیاسی به تکوین امت اسلامی منتهی می‌شود که علاوه بر آن کارکردهای اعتقادی و ارتباطی، ارزش امنیتی بالایی در معادلات سیاسی نیز دارد».^(۱) در واقع «نورانی گشتن انسان‌ها هدف عالی اسلام و در نتیجه حکومت اسلامی است».^(۲) از این رو جامعه باید از امنیت همه‌جانبه‌ی مبتنی بر ایمان برخوردار باشد. از این رو امنیت داخلی و بین‌المللی براساس اصل «لا تظلمون ولا تظلمون» خواهد بود.^(۳) ولایت‌مداری نیز به‌عنوان سومین عنصر امنیت‌ساز جامعه، همان‌طور که گفته شد، اولاً «تجميع دو بعد رهبری سیاسی و مرجعیت دینی جامعه‌ی اسلامی»^(۴) را فراهم می‌آورد و در ثانی «گام مؤثری در پاسخگویی به ایده‌ی دولت»^(۵) در تأمین امنیت جامعه‌ی اسلامی است. مبتنی بر نوع مبانی اندیشه‌ی اسلامی در انسان‌شناسی، «انسان و سعادت‌مندی او دارای ارزش ذاتی است. بنابراین پاسداشت حرمت هر فرد بنیاد امنیت انسانی را شکل می‌دهد. بر این اساس گونه‌ای از مسئولیت نظام سیاسی اسلام تعریف می‌شود که عام و فراگیر است؛ جنبه‌ی انسانی دارد و در ارتباط با نوع انسان معنا می‌شود. نظام سیاسی فارغ از ملاحظات نژادی، زبانی و مانند این‌ها»^(۶) در قبال تأمین امنیت کلیه‌ی افراد تحت حاکمیتش مسئولیت دارد. امنیت کالایی عمومی به‌شمار می‌آید که تمامی افراد تحت حکومت اسلامی باید یکسان از آن برخوردار باشند».^(۷) از طرف دیگر، «گستره‌ی

۱. افتخاری، «امنیت در اسلام»، همان، صص ۱۴-۱۵.

۲. ابراهیم: ۱.

۳. لک‌زایی، «امنیت در اسلام»، همان، ص ۲۸.

۴. لک‌زایی، «امنیت در اسلام»، همان، ص ۲۸.

۵. لک‌زایی، «امنیت در اسلام»، همان، ص ۲۳.

۶. توجه به اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تفسیر عبارت «و مانند این‌ها» مهم و ضروری است.

۷. افتخاری، «مرزهای گفتمانی نظریه‌ی اسلامی امنیت»، همان، ص ۴۳.

امنیت در گفتمان اسلامی وسیع‌تر از نیازمندی‌های دنیوی است و تأمین نیازهای معنوی و مادی افراد را به‌صورت توأمان در برمی‌گیرد. از این حیث (عنصر) سعادت مکمل قدرت در مقام تأمین امنیت به‌شمار می‌رود.^(۱) از این‌رو براساس مبانی و عناصر پیش‌گفته، مؤلفه‌های امنیت‌ساز در جامعه‌ی اسلامی به شرح زیر است:

(الف) هدف غایی امنیت در اجتماع آرامش امت اسلامی و زمینه‌سازی حرکت تکاملی برای انسان است؛

(ب) حصول این آرامش نیازمند اقدام سلبی و ایجابی، مادی و معنوی، همگام با هم است؛

(ج) روند سلبی، نفی معنوی طاغوت در اعتقادات و باورها و نفی سلبی تبعات آن در افعال و پیرویهاست؛

(د) روند ایجابی، پذیرش معنوی توحید در اعتقادات و باورها، تبعات آن در افعال و پیرویهاست؛

(ه) فطرت انسانی توحیدمحور است، از این‌رو مرز جغرافیایی نمی‌تواند تمایلات فطری انسان‌ها را متمایز گرداند.

۶- امنیت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

۶-۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

«امنیت در قانون اساسی دارای بنیادی دینی به گونه‌ی صریح و ضمنی است. از یک طرف بارزترین اصل دینی امنیت ملی در این حوزه نفی سبیل است که برگرفته از آیه‌ی ۱۶۱ سوره‌ی نساء می‌باشد. البته فقها نفی سبیل را به معنای عام یعنی رد هر گونه سلطه مراد کرده‌اند، اما تمرکز آن را بر ممنوعیت سلطه‌ی نظامی - سیاسی به‌ویژه در سیاست خارجی، سرمایه‌گذاری خارجیان و امور نظامی قرار داده‌اند.»^(۲) از طرف دیگر، در مقدمه‌ی قانون اساسی یکی از شاخص‌های امنیت ملی در دیدگاه سستی امنیت نظامی و توان دفاع در مقابل حملات بیگانگان است. در تبیین دینی بودن امنیت ملی در حوزه‌ی

۱. افتخاری، «مرزهای گفتمانی نظریه‌ی اسلامی امنیت»، همان، ص ۴۳.

۲. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۵.

دفاع و نیروهای مسلح، سه مبنای دینی برای امنیت مدنظر قرار گرفته است: «نیروهای مسلح اگرچه قدرتی مهم در حفظ تمامیت ارضی هستند، اما خطر جدی در موازنه‌ی قوا به‌شمار می‌روند. در نظام جمهوری اسلامی ایران که مشروعیت آن از دو جنبه‌ی الهی و مردمی نشأت می‌گیرد و ارزش‌های معنوی بیش از ارزش‌های مادی بر آن حاکم است، گرچه مشکل کمتری از ناحیه نیروهای مسلح احساس می‌شود، اما حضور مردم در صحنه سیاسی کشور و حاکمیت ارزش‌های معنوی مانع از هر نوع سوء استفاده از نیروهای مسلح می‌شود».^(۱) براساس این تحلیل امنیت ملی در سه حوزه به شرح زیر به دلیل مبنای دینی مورد توجه واقع شده است: بافت مذهبی نیروی انسانی ارتش از سرباز عادی تا بالاترین رده‌ها، نقش مردم در دفاع از حاکمیت و امنیت ملی و نظارت رهبری بر ساختار و مجموعه‌ی نیروهای مسلح.^(۲) شایان ذکر است «حوزه‌هایی از مبنای اصول اسلامی در قانون اساسی وجود دارد که تنها از نگرش جدید به امنیت، قابل درک است. برای مثال تأکید اسلام بر نظام خانواده، استقرار ارزش‌ها و اصول دینی در میان توده مردم و توجه به فضایل اخلاقی، حرمت اموال و مالکیت مردمی، توجه به هموعان و صلہ رحم، نقش دین در ثبات روانی جامعه و امر به معروف و نهی از منکر، در چارچوب نگرش سنتی به امنیت قابل مناقشه و تحلیل نیستند».^(۳) تحلیل اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ما را به این سمت رهنمون می‌نماید که بسیاری از نگرش‌های جدید به امنیت را می‌توان در ذیل موضوعات مختلف آن شناسایی کرد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر نهاد تأسیسی توسط اصل ۱۷۶، «نهادهایی که می‌توانند به نحوی در سیستم تصمیم‌سازی امنیت ملی دخالت کنند رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، مجلس و دولت، به‌ویژه برخی از بخش‌ها مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هستند».^(۴)

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۷۷.

۲. کامکار، مهدی و عباسعلی عمید زنجانی، «درآمدی بر امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه‌ی نگرش راهبردی، ش ۸۳ و ۸۴ و مهر و آبان ۱۳۸۶، ص ۲۴.

۳. شاکری، سید رضا، «مبانی اسلامی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر قانون اساسی»، مجله‌ی مطالعات راهبردی، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۰۰.

۴. ره‌پیک، حسن، تعامل بنیان‌های حقوقی و راهبردهای امنیت ملی، جزوه‌ی درسی، دانشگاه علوم قضائی، صص ۷-۸.

۲-۶. قوانین عادی

به منظور بررسی جایگاه امنیت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران توجه به قوانین عادی حائز اهمیت است. در این میان توجه قوانین برنامه‌ای توسعه به مقوله‌ی امنیت و تأمین آن در برنامه‌های مختلف توسعه‌ی کشور جایگاه ویژه‌ای دارد.

در قانون برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ موضوع امنیت و تأمین آن در دو بخش هدف‌های کلی و خط‌مشی‌های این قانون مورد توجه قرار گرفته است. توجه به زمان تصویب این قانون و شرایط کشور پس از جنگ تحمیلی در تحلیل نگرش مقنن به تأمین امنیت بسیار راهگشا خواهد بود؛ چراکه فارغ شدن از جنگ تحمیلی و امکان بروز هر حمله‌ی نظامی دیگر خواه‌ناخواه مقنن را به سمت پذیرش مبانی نظریه‌های امنیت سخت در تقنین سوق داده است. از این رو در اولین بند بخش هدف‌های کلی در بحث تأمین امنیت ملی «بازسازی و تجهیز بنیه‌ی دفاعی و تأمین نیازهای ضروری آن بر مبنای اهداف دفاعی تعیین‌شده» مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و در بخش خط‌مشی‌های این قانون در ذیل عنوان بازسازی و تقویت بنیه‌ی دفاعی بر مبنای استراتژی (راهبردهای) دفاعی کشور، راهبردهایی به تصویب رسیده است که در راستای هدف کلی تعیین‌شده، رویکرد دفاعی در تأمین امنیت را با تأکید بر تجهیز و آموزش نظامی در کشور پیگیری می‌کند.^(۱)

در قانون برنامه‌ی دوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳ نیز نشان از توجه به هویت انقلاب اسلامی و لزوم داشتن

۱. قسمت یکم پیوست قانون برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: «ب- خط‌مشی‌ها:

۱- بازسازی و تقویت بنیه دفاعی بر مبنای استراتژی (راهبردهای) دفاعی کشور از طریق:
 ۱-۱ بازسازی و تقویت بنیه دفاع با تأکید بر استفاده از کلیه امکانات اقتصادی و صنعتی کشور و جلوگیری از دوباره‌کاری و عملکردهای موازی.
 ۱-۲ فراهم کردن زمینه‌های اجرایی طرح بسیج مستضعفین به عنوان وسیع‌ترین شبکه دفاعی انقلاب اسلامی.

۳-۱ تأکید و تقویت آموزش آمادگی دفاعی در مدارس پسرانه و دخترانه.

۴-۱- دومنظوره کردن صنایع دفاعی کشور.»

استراتژی سیاست خارجی و برقراری روابط حسنه با دولت‌های همسایه‌ی جمهوری اسلامی ایران دارد.^(۱)

در قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ در فصول بیست و دوم و بیست و سوم از این قانون به صورت مبسوط به امور دفاعی، امنیتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.^(۲)

در ماده‌ی ۱۱۹ قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ برای پیشبرد هرچه بهتر سیاست‌های تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران توجه به فرهنگ‌سازی عمومی از طریق آموزش‌های متناسب، افزایش مشارکت مردم در اداره‌ی امور کشور و توجه به روابط اجتماعی افراد جامعه برای تأمین امنیت عمومی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس در تحلیل مبانی نظری این قانون توجه به مؤلفه‌های تهدیدزای درونی برای امنیت ملی در کنار

۱. تبصره‌ی ۷۰ ماده‌ی واحده‌ی قانون برنامه‌ی دوم توسعه: «به منظور بالا بردن توان امنیتی کشور، شناسایی و خنثی‌سازی تهدیدات داخلی و خارجی، صیانت از اجرای برنامه پنج‌ساله دوم و جهت انجام مأموریت‌های محوله وزارت اطلاعات موظف است:

- حراست‌های پرسنلی و فنی را ایجاد و تقویت نماید.
- جهت جلوگیری از دستیابی دشمنان به اسناد و مدارک و توانایی‌های کشور اقدامات خود را تشدید نماید.

- متناسب با ابعاد مأموریت‌های محوله تشکیلات خود را تقویت، سازماندهی یا گسترش دهد.
- اقدامات لازم جهت سالم‌سازی فضای سیاسی جامعه و پیشگیری از وقوع جرائم امنیتی را انجام دهد.
از طرف دیگر در بخش دوم این قانون و در قسمت خط‌مشی‌های اساسی در بند ۱۲ که مقرر می‌دارد: «رعایت عزت، حکمت و مصلحت کشور در سیاست خارجی از طریق: تقویت روابط حسنه با همسایگان، دور نمودن تشنج از مرزها، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و قاره‌ای، تأمین امنیت ملی در برابر تهدیدات خارجی، حفظ و صیانت از مرزها و دفاع از تمامیت ارضی و پاسداری از انقلاب اسلامی، تدوین استراتژی درازمدت سیاست خارجی بر مبنای اصول قانون اساسی»، حرکت به سمت گفتمان‌های مدرن امنیت طرح‌ریزی شده است.

۲. مواد ۱۷۱ تا ۱۸۶ قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹. برای مطالعه‌ی تفصیلی و دیدن مواد مربوط رک: بالایی، حمید، الگوی راهبردی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت ملی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

مؤلفه‌های بیرونی به‌خوبی مشاهده می‌شود. در واقع در این قانون مقنن برای تأمین امنیت ملی علاوه بر توجه به مؤلفه‌های تهدیدزای بیرونی به مؤلفه‌های تهدیدزای درونی نیز توجه کرده است و سعی دارد با مکلف کردن دولت در اتخاذ برنامه‌ی راهبردی جامع، مؤلفه‌های تهدیدزای درونی و بیرونی را شناسایی کند و برای حل آن‌ها چاره‌ای بیندیشد. از طرف دیگر، توجه مقنن به پیشرفت‌های صنایع نظامی دفاعی، دولت را بر آن داشته است تا توان دفاعی خود را متناسب با سطح تهدیدات نظامی ارتقا بخشد. همچنین با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران از جمله هم‌مرزی با خلیج فارس و دریای خزر توان دفاعی خود را متناسب سازد.

در قانون برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ و در فصل هفتم این قانون مجموعه‌ی مقررات دفاعی، سیاسی و امنیتی پنج‌ساله‌ی پنجم جمهوری اسلامی ایران مورد توجه مقنن قرار گرفته است.^(۱) مقنن با جداسازی امور دفاعی، سیاسی و امنیتی از یکدیگر به‌طور مبسوط راهبردهای لازم برای تأمین امنیت ملی در هر یک از این حوزه‌ها را بیان کرده است. از جمله ویژگی‌های بارز این قانون در پرداخت به موضوع تأمین امنیت ملی توجه به رویکردهای ایجابی در تأمین امنیت براساس نظریه‌های سستی و مدرن امنیت ملی است. زیربنای امور دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این قانون تأکید بر تأمین تجهیزات نظامی مدرن با تکیه بر دانش بومی و متناسب با ژئوپلیتیک منطقه در حوزه‌ی هوانیروز است که نشان از وجود تهدیدات سخت و لزوم توازن توان دفاعی در مقابل آن دارد. از طرف دیگر، تأکید مقنن بر تقویت بسیج برای به‌کارگیری نیروی مردمی در راستای دفاع ملی در این قانون نیز همچون قوانین برنامه‌های توسعه‌ی گذشته بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و این نکته نشان از توجه بیشتر قانونگذار به نیروهای مردمی در تأمین امنیت ملی دارد؛ توجهی که گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در درون گفتمان‌های مدرن امنیت قرار می‌دهد.

۳-۶. سیاست‌های کلی نظام و فرمان‌های رئیس کشور

مقام رهبری یا ولی‌فقیه در حقوق اساسی ایران مجتهد عادل است که در رأس

۱. مواد ۱۹۵ تا ۲۱۰ قانون برنامه‌ی پنجساله‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴).

امور کشور قرار دارد^(۱) و براساس اصل ۱۰۹ قانون اساسی باید هم دارای صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه باشد و هم از بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری برخوردار باشد. با توجه به این جنبه‌های چندگانه در قانون اساسی ما نیز اختیارات ویژه‌ای برای این مقام در مقایسه با سایر رهبران کشورها در نظر گرفته شده است که به نظر می‌رسد جایگاه این منبع از منابع حقوق اساسی را در مقایسه با نهادهای مشابه خود در سایر کشورها برتر قرار می‌دهد. از همین رو و براساس بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام بر عهده‌ی رهبری است و طبیعی است بخشی از این سیاست‌ها با مسائل امنیتی ارتباط مستقیم دارد. از همین رو در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ چشم‌انداز امنیتی کشور چنین ترسیم شده است که ایران کشوری خواهد بود:

- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت؛
- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب؛
- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه‌ی اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی(ره)؛
- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت. شایان توجه است که در کلیات سیاست‌های کلی نظام در دوره‌ی چشم‌انداز نیز در دو قسمت امور فرهنگی و امور اجتماعی - سیاسی و دفاعی به‌صورت جداگانه به مقوله‌ی امنیت توجه شده است. از همین رو بی‌شک گفتمان امنیت جمهوری اسلامی ایران در قالب گفتمان‌های سنتی امنیت قابل دسته‌بندی نیست؛ چراکه بخش عظیمی از

۱. اصل ۵ قانون اساسی.

توجه سیاست‌های کلی به مقوله‌های فرهنگی اجتماعی اختصاص یافته است. سیاست‌های کلی نظام مرتبط با امنیت در بخش‌های شهرسازی، پدافند غیرعامل، فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا)، اصلاح الگوی مصرف، شبکه‌ی اطلاع‌رسانی، انرژی، بخش حمل‌ونقل، امنیت اقتصادی، مبارزه با مواد مخدر و اشتغال از دیگر محورهایی است که در نسبت با مقوله‌ی امنیت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته و از سوی مقنن دارای قوانین و برنامه‌های ابلاغ شده است.

۷- جمع‌بندی

امنیت وضعیتی مبتنی بر وجود نوعی رابطه‌ی معقول و متناسب بین خواسته‌های بازیگران با داشته‌های ایشان درون یک واحد سیاسی است که در نهایت موجب رضایت‌مندی بازیگران می‌شود. این تعریف از امنیت در کنار معیارهای اسلامی ضرورت تأمین امنیت در اقسام مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با نگرش به توحید، معاد و نبوت را فراهم می‌آورد. همچنین تاریخ ادوار بشر نشان می‌دهد ابزار تأمین امنیت سیر تکاملی داشته و با تحولات نظری دولت‌ها متحول شده است. از طرف دیگر، معنا و مرجع امنیت متأثر از این تحولات و با مبانی مختلف محل بحث بوده و ثمره‌ی آن در عرصه‌ی اجتماع ظهور پیدا کرده است. شاید بیش از همه‌ی ادوار تاریخ بشر تحول معنای امنیت را باید در عصر روشنگری دنبال کرد؛ عصری که متأثر از نگاه بشر به ساحت زندگی اجتماعی مفاهیم جدیدی در سنت تفکری وی طلوع کرد و رابطه‌ی وثیقی میان دولت به‌عنوان زمامدار حکومت و مردم ایجاد شد تا وظیفه‌ی تأمین امنیت در قالب نظریات مختلفی چون دولت ژاندارم به وی سپرده شود. مفاهیمی که باید اصالت خود را مدیون فلسفه‌های مضاف و کارکرد خود را وامدار درج در منابع حقوق اساسی بدانند. در واقع منابع حقوق اساسی کشورها متأثر از مبانی نظری خاص، کارکردهای خاصی را نیز ایجاب می‌کند. بر این اساس تطور مبانی اندیشه‌ای دولت‌ها در دوران مختلف تاریخی حدود و تفاوتی از وظایف در تأمین امنیت را برای دولت کشورها الزامی دانسته که متناسب با دولت‌ها از وظایف سلبی تا وظایف ایجابی، از ابعاد سخت امنیت تا ابعاد نرم آن را شامل شده است. اما در اسلام فارغ از تطور مفهومی امنیت در غرب، ریشه‌ی تحلیل این مفهوم به اندیشه‌ی وحیانی

بازمی‌گردد و با در نظر گرفتن ارکان و مؤلفه‌های امنیت‌ساز ابعاد امنیت در عرصه‌های مختلف ترسیم می‌شود. تحقق این مفهوم از منظر اندیشه‌ی اسلامی نسبتی و ثیق با دینداری فردی و حکومت‌داری حاکم دارد، چراکه فرد مسلمان از طریق ایجاد مؤلفه‌های امنیت‌ساز در درون خود زمینه‌ساز تحقق امنیت در اجتماع شده و حاکم با تعهدات ایجابی و سلبی زمینه‌ساز تحقق امنیت در جامعه می‌شود. ضرورت توجه به این نکته که امنیت در اندیشه‌ی اسلامی متفاوت از امنیت در اندیشه‌ی غربی معنا می‌شود، باید اندیشمندان حوزه‌ی سیاست و حقوق را به سمت تدوین الگوی راهبردی تحقق امنیت در جامعه‌ی اسلامی رهنمون سازد.

۸- منابع پیشنهادی برای مطالعه‌ی بیشتر

۱. اسلامی، علیرضا، «رویکرد قانون اساسی به مقوله‌ی امنیت»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، ش ۳۲، زمستان ۱۳۸۴.
۲. افتخاری، اصغر، ابعاد انتظامی امنیت ملی، مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی، دفتر سیاسی سازمان عقیدتی ناجا، ۱۳۷۹.
۳. -----، «دو چهره‌ی امنیت «بررسی چالش امنیتی فراسوی نظام جمهوری اسلامی ایران در قرن بیست و یکم»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی اندیشه‌ی انقلاب اسلامی، ش صفر، زمستان ۱۳۸۰.
۴. -----، «تحلیل انتقادی امنیت، درآمدی بر روش‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ش ۱۶، تابستان ۱۳۸۱.
۵. -----، «ساخت اجتماعی امنیت (درآمدی بر جامعه‌شناسی امنیت)»، مجله‌ی دانش انتظامی، ش ۱۱، ۱۳۸۰.
۶. -----، «شرعی‌سازی قدرت سیاسی؛ درآمدی بر جایگاه امنیت در اندیشه و عمل فقهای شیعه در عصر صفوی»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال هفتم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۴.
۷. -----، صورت‌بندی امنیت ملی در حوزه‌ی فقه سیاسی، مجله‌ی علوم سیاسی، ش ۳۳، بهار ۱۳۸۵.

۸. -----، «قدرت امنیت و شریعت؛ درآمدی بر اندیشه و عمل فقهای شیعه در عصر قاجار»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال هفتم، ش ۱، بهار ۱۳۸۳.
۹. -----، «مرزهای گفتمانی نظریه‌ی اسلامی امنیت»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ش ۲۵، پاییز ۱۳۸۳.
۱۰. بالایی، حمید، الگوی راهبردی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت ملی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
۱۱. خانی، عبدالله، نظریه‌های امنیت، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۹.
۱۲. ره‌پیک، حسن، تعامل بنیان‌های حقوقی و راهبردهای امنیت ملی، جزوه‌ی درسی، دانشگاه علوم قضائی.
۱۳. گروه مطالعات امنیتی، نظریه‌های امنیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷.
14. Alogappa, Muthian: The national security of developing states, Malasia: pub: Auburn House, 1987.
15. Buzan, barry & Weave, ole: Security: A New Framework For Analysis, United kingdom, pub: Lynne Rienner, 1998.
16. Buzan, Barry: People state and fear: An agenda for international security studies in the post cold war era, London: Wheatshed pub, 1992.
17. Glaser, Charles. L, Security dillema Revisited, Princeton, pud: World politics, october 1997.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. آر؛ دی، مک کین لای و آر، امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه‌ی اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
۲. ره‌پیک، حسن، تعامل بنیان‌های حقوقی و راهبردهای امنیت ملی، جزوه‌ی درسی، دانشگاه علوم قضائی.
۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم، ارم، ۱۳۸۲.
۴. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۵. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲، ج ۱.
۶. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.
۷. معین، محمد، فرهنگ لغات معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳، ج ۱.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴ق، ج ۱۲.
۹. میرمعزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشکده‌ی فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۰. یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصاد علوی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۸۶.

ب) مقالات

۱۱. اسماعیلی، محسن، «درآمدی بر طرح تدوین فقه انتظامی، امنیت ملی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی»، مجله‌ی دانش انتظامی، ش ۳ و ۲، تابستان و پاییز ۱۳۷۹.
۱۲. افتخاری، اصغر، «امنیت در اسلام»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۵.

۱۳. -----، «تحلیل انتقادی امنیت (درآمدی بر روش‌شناسی انتقادی در مطالعات امنیتی)»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ش ۱۶، تابستان ۱۳۸۱.
۱۴. -----، «مرزهای گفتمانی نظریه‌ی اسلامی امنیت»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ش ۲۵، پاییز ۱۳۸۳.
۱۵. جهانیان، ناصر، «تعریف و جایگاه امنیت اقتصادی در اسلام»، فصلنامه‌ی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۱، زمستان ۱۳۹۱.
۱۶. شاکری، سید رضا، «مبانی اسلامی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر قانون اساسی»، مجله‌ی مطالعات راهبردی، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۱.
۱۷. شریعتمدار جزائری، سید نورالدین، «امنیت در اسلام»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۵.
۱۸. -----، «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، مجله‌ی علوم سیاسی، ش ۹، تابستان ۱۳۷۹.
۱۹. کامکار، مهدی و عباسعلی عمید زنجانی، «درآمدی بر امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه‌ی نگرش راهبردی، ش ۸۳ و ۸۴، مهر و آبان ۱۳۸۶.
۲۰. لک‌زایی، شریف، «امنیت در اسلام»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۵.

۲. عربی

۲۱. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، ترجمه‌ی احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱.
۲۲. حلی، ابن‌ادریس محمدبن محمدبن منصوربن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۱۰ق، ج ۳.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه‌ی سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۸.
۲۴. طوسی، محمدبن‌الحسن، المبسوط، بی‌جا، المكتبة المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۹۳ق، ج ۸.

۲۵. -----، النهایه فی مجرد الفقه الفتاوی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۲۶. عاملی (شهید ثانی)، زید بن علی بن احمد، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰ق، ج ۱.
۲۷. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱ق، ج ۱ و ۲.
۲۸. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۲۶۶ق، ج ۲۱.

ج) اسناد

۲۹. قانون اساسی.
۳۰. قوانین برنامه ی توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۳۱. سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران.

۳. انگلیسی

1. UNDP, "Governance For Sustainable Human Development", presen at: www.Undp-pogar.org/publications/governance/goodgov, 1997.
2. Buzan, Barry, People state and Fear: An agenda for international security studies in the post cold war era, London: hieatshed pub, 1991.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir